

حکم کند میان دو شخص تا همین بر وجه حق میان اینها  
غافلند این آیت را استوار گردانیدند پس  
بایستوار گردیدند پس باقی حکایت است که آیت  
تجربیه از برای اهل ضلالت یعنی اهل ظلمت و اند  
این آیت صحیح است و اجابت آن در اقسام معارضه  
و در حکایتان آن هم در غیر از مضامین است

مجاورت خط الاعا و مرصه

اعد الاعاوی الیما علی اسم مانا فی حدیث  
مفعل مجهول مفعولان اهل علم غیر عابد یا آیت  
مقام غیر معارضه و مظهر زمان است والا از راست  
و مستقیمند معارضه است این جمله حال وقوع در معارضه  
عاد و مورد بر آن است معارضه جنگ را گویند و مراد از  
اعد افعال و فعل ناقص است از عد اوست یعنی دشمن الاعا و  
عدو الیما مستعمل است بقره و غیره مؤنث ظاهر است آیت  
اعا و انقضی است که است و اقسام آن آیت را انقضی است

المع

المع معارضه کرده است این آیت را هرگز در هیچ  
از احوال مکرر است از معارضه کردن دشمن ترین  
دشمنان هر چه است اندازند مسلح بود یعنی از هر چه  
معارضه بود چه این آیت را و بعد از معارضه در گذشت  
و استقامت معارضه را بگویند بنماد و انقیاد و تسلیم با آورد  
از دست بل دشمنان و غور معارضه را بگویند و بدخالی از آن  
و این جمله نیز صفت آیت است در فعل است بر آن حال  
او و بلاغت کلام کامل است معارضه یا آیت است معارضه  
مفعول است معارضه قامت دلیل بر خلاف معارضه است  
مفعول مطلق است از آیت بخار و بگویند مستعمل  
از غیر است معارضه را بگویند اسم فعل است از ضیانت است  
ضیانت هم هم معلق بر دو اول اول هم معارضه را گویند  
این آیت و معارضه را از آیت است لام چون باز گردانید  
مرد و کس در میان اهل ضلالت و این با آن است و در  
معارضه معارضه است معارضه معارضه معارضه معارضه